



# تحولات جهان پیرامون ما و ضرورت های درس تاریخ

آنچه در سال های اخیر در جهان اطراف ما می گذرد، هرچند امروزه در مقوله دیپلماسی و سیاست قرار داده می شود، اما ریشه های تاریخی شناخته شده ای دارد. به این جهت، علم و درس تاریخ می تواند به همه ما، در شناخت هرچه بهتر ریشه های این تحولات کمک بسیاری کند.

به طور کلی جهانی که ما در آن بسر می بریم، چه از نظر جغرافیای سیاسی و چه مسائل تمدنی، حاصل قرن ها تحولات پی در پی و مستمری است که در تاریخ بشر روی داده است. هر اندازه که در تاریخ به گذشته های دور مراجعه کنیم، ریشه های دورتر جهان کنونی و هر اندازه که به تاریخ معاصر نزدیک شویم، علل بلافاصل و بی واسطه جامعه فعلی را می توانیم دریابیم. جامعه صنعتی جهان معاصر حاصل دو قرن تحولات علمی، تکنیکی و اقتصادی است که پشت سر گذاشته ایم. رشد ارتباطات حاصل اختراعات مداومی است که در این زمینه رخ داده است. مناسبات کنونی بین الملل، حاصل نتایج جنگ جهانی دوم به شمار می آید. سازمان ملل و بسیاری از مؤسسات بین الملل که امروزه فعال هستند در سالهای پس از جنگ جهانی دوم شکل گرفتند. تقسیم شدن جهان به ملل پیشرفته و عقب مانده، صنعتی و غیرصنعتی، شمال و جنوب، فقیر و غنی همه حاصل تحولات و تغییراتی است که در دهه های اخیر و یا چند قرن گذشته روی داده اند.

نه تنها در مقیاس جهانی بلکه در مقیاس های کوچکتری چون تحولات قاره ای، منطقه ای و سرانجام ملی نیز همین قاعده وجود دارد. شرایط فعلی کشور ما و نیز کشورهای اطراف ما چه دور و چه نزدیک حاصل تحولاتی است که طی قرون گذشته، بخصوص دو قرن اخیر رخ داده است. مرزهای شرقی، شمالی و غربی ما طی معاهداتی که از دوره صفویه و بخصوص دوره قاجاریه بسته شد شکل گرفته اند، شکل گیری ملت ها و دولتهای پیرامون ما نیز حاصل تحولاتی در همین قرون بوده است. به همین نحو شناخت ریشه های وقایع و رخدادهایی که در ممالک مجاور ما یا به طور کلی خاورمیانه، آسیای مرکزی و شبه قاره هند رخ می دهد همگی مستلزم مراجعه به تاریخ است.

در مجموع خلاصه ای که گفته شد فقط به جنبه هایی از این تحولات که با تاریخ معاصر ارتباط دارد، اشاره داشت. اگر به تاریخ داخلی هریک از همسایگان یا ممالک خاورمیانه و آسیای مرکزی رجوع کنیم، می توانیم شرحی مفصل و مطول ارائه دهیم. بی شک، شناخت تحولات چند قرن اخیر در تنویر افکار عمومی نسبت به این تحولات و نیز کمک به برنامه ریزی مسئولان و دست اندرکاران اهمیت فراوانی دارد و می تواند به عنوان بخشی از اطلاعات مورد نیاز برای هرگونه شناخت و تصمیم گیری قلمداد شود. آنچه که در درس تاریخ و نیز کتب درسی تاریخ طی سالیان تحصیلی عرضه می شود و نیز تلاش و کوششی که دبیران تاریخ انجام می دهند، در واقع چیزی جز ساختن پایه ها و بنیان های دانش و بینش تاریخی و ارائه معلومات و اطلاعات مورد نیاز برای درک ریشه های رخدادهای سیاسی در گوشه و کنار جهان نیست. شکل گیری مواد و محتوای دروس تاریخ در اصل، به رخدادهای کنونی اتکا دارد، اما همواره از این قابلیت برخوردار بوده است که بتواند بستر اصلی دانش و بینش تاریخی و سیاسی مورد نیاز شهروندان را برای درک تحولاتی که پیرامون آن ها رخ می دهد، فراهم سازد. بدون داشتن آگاهی از این زمینه تاریخی، دید ما نسبت به این تحولات بسیار نارسا و ناکافی خواهد بود. شناخت هرچه بیشتر، عمیق تر و دقیق تر از آن مسیر تاریخی که منتهی به روزگار اخیر شده است، در تحلیل رویدادها و شناخت مبانی رفتار بازیگران این تحولات به ما کمک بسیاری خواهد کرد.

بر اساس آنچه گفته شد، دبیران تاریخ باید توجه داشته باشند که فعالیت های علمی و آموزشی آنان، به ارتقای دانش و بینش نسل جوان کشور در قبال این تحولات پر دامنه کمک بسیار مفیدی خواهد کرد. از سوی دیگر، به برنامه ریزان و دست اندرکاران درس و کتاب تاریخ متذکر می شود که با ملاحظه آفاق های وسیع تر و نیازهای اساسی تری به تهیه منابع درسی اقدام کنند. بی شک، بخشی از مقبول و مطبوع بودن درس تاریخ، به کارآمدی آن در شناخت تحولاتی بستگی دارد که در جهان امروز رخ می دهد. بی اثر بودن آموزش تاریخ به دلیل آن که هیچ پرتو روشنگرانه ای بر مسائل کنونی جهان ندارد، خسارت بسیار به بار خواهد آورد. هرچند که درس تاریخ به شکل دادن شالوده ها و بنیان های بینشی و شناختی مردم می پردازد و در شناخت و تحقیق خویش نیز از قواعد علمی ویژه ای تبعیت می کند، اما بی شک نشان دادن تأثیر مستقیم و مؤثر آن بر زندگی کنونی نیز ضرورت دارد. **درس تاریخ با پرداختن به شناخت ریشه های وقایعی که پیرامون ما رخ می دهد، می تواند هم به رشد دانش مردم کمک کند و هم به تحول و پویایی خویش مدد رساند.**